

نقد ترجمه استاد فولادوند مهدی سلطانی رنایی

مقدمه

ترجمه قرآن از دیر باز معرکه آرای فقهای اسلام بویژه فقیهان اهل سنت بوده است. این بحث برای نخستین بار از مسأله جواز قرائت حمد و سوره به زبان‌های غیر عربی آغاز شد. ۱۰ در قرون معاصر نیز به سبب ضرورت تبلیغ دین، مسأله ترجمه قرآن و لزوم آن را شیخ مصطفی مراغی مطرح نمود که با مخالفت شدید برخی علمای الأزهر مصر مواجه شد و اینان پس از جلسات و شوراها مکرر، رأی به جواز ترجمه قرآن دادند و حتی ترجمه تفسیری قرآن را نیز پذیرفتند. ۲۰ در هر حال ترجمه قرآن کریم برای درک و فهم معانی لغوی آیات و برای کسانی که آشنایی با زبان عربی ندارند یا چندان بر آن مسلط نیستند، امری سودمند و انگیزه‌ای خاص برای خواندن قرآن و تدبیر در عمق معانی و جنبه‌های عملی آیات شریفه آن است. اما یادکرد این نکته مهم ضروری به نظر می‌رسد که مترجم قرآن باید در برخورد با قرآن و ترجمه آن بر زبان مبدأ و مقصد مسلط بوده و نکات و دقایق آنها را کاملاً بداند و با آگاهی صحیح از فنّ وجوه و نظایر قرآنی، بهترین واژه‌ها و ترکیب‌ها را برای رساندن معانی کلمات برگزیند و از کاربرد لغات نامأنوس و دشوار بپرهیزد، همچنین اصول فصاحت و بلاغت را در نظر گرفته و توان و استعداد نویسندگی داشته باشد ۳ و در ضمن با مراجعه به منابع ارزشمند و رعایت نظم و آگاهی از پیوستگی آیات از اطاله کلام خودداری کند.

حقیقت سخن این‌که، مترجم باید مأنوس اصلی و همیشگی خود را قرآن دانسته و با رعایت امانت در ترجمه کلام خداوند، نهایت کوشش خود را به کار گیرد و در این تلاش پیگیر اصل تقوی و پاکدلی را پاس بدارد؛ زیرا درک و دریافت عالمانه و عارفانه حقایق و دقایق ولای قرآنی جز در دسترس پاکدلان و پاک اندیشان اهل توحید نیست. ۴ ترجمه قرآن استاد فولادوند از شیوایی، سادگی، استواری و نیز صحت و دقت فراوان برخوردار است و متضمن نثر فارسی امروزی و بدون سبک و پیچیدگی است و از همه اساسی‌تر اینکه قابل فهم و درک می‌باشد.

استاد دکتر محمد مهدی فولادوند ترجمه قرآن را در سال ۱۳۳۱ ه.ش آغاز کرد و در دومین گام، ۲۲ سوره از آن را با عنوان «گل‌هایی از قرآن کریم» منتشر نمود و مقارن پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، ترجمه همه قرآن را به پایان رسانید. درستی و دقت موجود در آن، مرهون سخت‌گیری‌ها و مدیریت علمی ناشر (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی قم) می‌باشد. استاد بهاء‌الدین خرمشاهی معتقد است: «ترجمه قرآن آقای فولادوند مهذب و متین و سر راست و فاقد گرایش‌های خاص و افراطی است. ه همچنین کمال مطابقت با متن مقدس قرآن کریم را دارد.» ۶

در نخستین نگاه به این ترجمه، درمی‌یابیم که مترجم مقدمه خود را درباره چگونگی ترجمه، آخر قرآن آورده است که مسلم است منظور هر چه باشد یکی از آنها این است که نهایت تواضع و فروتنی خود را در برابر قرآن نشان دهد، کلاً فولادوند در این مقدمه، آفرینش هنری خاصی را به نمایش گذاشته و خودش این همه را، الهاماتی از درگاه حمایت حق می‌داند. ۷ مترجم، این برگردان خود را با دیگر ترجمه‌های قرآنی به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، هندی و اروپایی مطابقت داده است و لغات، ضائرها، حروف مؤکده و مقدره و روابط ترکیبی کلمات را در نظر داشته و مساوی با اصل متن، در ترجمه آورده است و الحق والانصاف معنی و مقصود بلند این کتاب آسمانی را باز نموده و منتقل کرده است.

وی هر جا که در برگردان فارسی نیاز به توضیح، لازم و ضروری می‌نماید، اشاراتی را داخل [] آورده است. ۸

در برخی موارد نیز مجبور به پا نوشت درباره توضیح و ترجمه آیه و واژه‌های آن شده و گویی با این کار ترجمه را از تفسیر جدا ساخته است. در برخی پانوشتها به وجوه قراءات و معانی آیات بر طبق آن وجوه، و بر اساس تخصص زبان‌شناسی خویش به معادل لاتین برخی واژه‌ها نیز اشاره نموده است. ۹

نگاهی به ترجمه واژه‌های قرآنی

مترجم در برخی موارد، یک واژه را که در آیات متعدّد به يك صورت آمده است، به چند شکل ترجمه کرده است، هر چند که می‌توانسته از يك واژه مشخص در برگردان فارسی سود بگیرد. البته این روش در مورد کلماتی که صفات خدا را بازگو می‌کند و معانی آنها ثابت است چندان توجیهی ندارد. ۱۰ مثلاً کلمه «عزیز» را در جایی به «ارجمند» و در جایی دیگر به «نیرومند» و در مواردی به «توانا» ترجمه کرده است. ۱۱

از موارد دیگر این موضوع می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد:
- لفظ «أَمْي» و «أَمْيِين» را به چهار معنای مختلف آورده است:
الف) مشرکان: «به کسانی که اهل کتابند و به مشرکان بگو...» ۱۲
ب) درس نخوانده: «همانان که از این فرستاده، پیامبر درس نخوانده...
پیروی می‌کنند.» ۱۳

ج) بی سوادان: «اوست که در میان بی سوادان فرستاده ای از خودشان بر
انگیخت.» ۱۴

د) آنان که کتاب آسمانی ندارد: «آنان [به پندار خود] گفتند: در مورد
کسانی که کتاب آسمانی ندارند بر زبان ما راهی نیست...» ۱۵
«ذلك بما قدمت يدك»: «این [کیفر] به سزایی چیزهایی است که دست‌های تو
پیش فرستاده است.» ۱۶ «ما قدمت يدك» اصطلاحی است که در ظاهر «آنچه دست‌های
تو پیش فرستاد» معنی می‌دهد؛ اما منظور از این عبارت همه اعمال آدمی در
دنیاست، خواه با دست انجام شده باشد خواه با دیگر اعضا و جوارح. به
همین دلیل این اصطلاح در ترجمه‌های روان به صورت تحت اللفظی ترجمه
نمی‌شود. ۱۷

مسأله دیگر در موضوع یاد شده این است که بسیاری از واژه‌های عربی به
همان صورت اصلی در ترجمه آمده است. به عنوان نمونه:
الف) خدا [چیزهای ممنوعی از قبیل: بحیره و سائبه و وصیله و حام قرار
نداده است.] ۱۸

ب) «و بر ما تصدیق کن.» ۱۹
از نمونه‌های فوق در ترجمه استاد فولادوند فراوان به چشم می‌خورد، اما این
ایراد در واقع بر کار مترجم وارد نیست؛ بلکه از آن رو لفظ عربی آورده
شده است که معادل فارسی آن یافت نمی‌شده و اگر مترجم می‌خواست به صورت
توضیحی ترجمه کند، از حالت ترجمه خارج می‌شد و رنگ تفسیر به خود می‌گرفت و
یا اینکه واژه‌های فارسی معادل کلمات عربی، چندان مانوس نبوده و توان
رساندن معنای آیه یا واژه قرآنی را نداشته است. ۲۰ این گونه موارد در همه
ترجمه‌های قرآن یافت می‌شود و بیانگر این نکته مهم است که «در حقیقت قرآن
کریم ترجمه‌پذیر نیست.»

نثر فارسی ترجمه استاد فولادوند
بزرگترین هنر هر مترجمی آن است که بتواند در ترجمه و برگردان از زبان
اصلی به زبان فارسی (مثلاً) در عین حفظ امانت، نثر روان و همه فهمی ارائه
دهد و تا حد ممکن از واژه‌های خشک و ادبیاتی محض یا غریب دوری کند. اکنون
به نمونه‌هایی از این نثر در ترجمه استاد فولادوند اشاره می‌نماییم: ۲۱
- ... رهنمونیتان کرده است... ۲۲
- ... پروردگارت فراخ آموزش است...
- ... در درخت سبزه فام اخگر نهاد... ۲۳
- ... گفته شد با ماندگان بمانید... ۲۴

از این دست در ترجمه استاد بسیار است که مترجم در این موارد یا دیگر
عبارت‌های مشابه، از واژه‌هایی که جنبه ادبیاتی آن بیشتر مد نظر است و تا
حدی سنگین و نزدیک به ترجمه‌های تحت اللفظی استفاده کرده است.
از جمله روش‌هایی که به عنوان نقد در ترجمه قرآن استاد فولادوند مورد
توجه است، ترجمه نادرست و ناپذیرفتنی برخی واژه‌ها در آیات است.
«و قالوا أساطير الأولين اکتبها فیهی تملی علیہ بکره و اصیلاً» (فرقان /
ه). گفتند: فسانه‌های پیشینیان است که آنها را برای خود نوشته و صبح و
شام بر او املا می‌شود.

عبارت «تملی علیہ» در اینجا «املا می‌شود» برگردان شده که مناسب نیست و
باید «خوانده می‌شود» معنی شود. استاد خرمشاهی در ذیل این آیه نوشته است:
معنای «تملی علیہ» هم ظاهراً این است که بر او املا می‌کردند که بنویسد،
اما میبیدی و امام فخر رازی هوشمندانه برآنند که در اینجا املا به معنای
معهود مراد نیست. بلکه این است که نوشته‌ها را با تأنی و تکرار برای او
می‌خواندند که به تلقین و تکرار فرا گیرد. ۲۵ در تأیید سخن استاد خرمشاهی
باید اضافه کنیم که در مجاز القرآن نیز ذیل این آیه آمده است: «تملی
علیه ای تقرأ علیه» ۲۶.

«اسلك يدك في جيبك تخرج...» (قصص / ۳۲).
دست خود را به گریبان‌ت ببر...
فعل امر «اسلك» به اشتباه «ببر» معنی شده است، در صورتی که معنای صحیح
آن در اینجا «فرو بر، داخل کن» است؛ بهترین شاهد برای اثبات این گفته
آیه ۱۲ سوره نمل است.

«و ادخل يدك في جيبك...» ۲۷.
«فقد استمسك بالعروة الوثقى...» (لقمان / ۲۲).

واژه «عروه» را استاد فولادوند «ریسمان» معنی کرده است، در صورتی که این واژه به معنای «دستاویز» است. ۲۸

نظری به نکات صرفی و نحوی

از جمله مهم‌ترین شرایط و اصولی که یک مترجم در ترجمه قرآن باید مورد توجه قرار دهد، آگاهی لازم و کافی وی به اسلوب و ویژگی‌های زبان متن است که شامل معنی و شکل و صیغه اسماء و افعال و حروف در عین حفظ نقش آنهاست. این بدان دلیل است که معنی و مقصود وحی الهی را بدون ابهام و اشکال منتقل کند. اما در مواردی از ترجمه استاد فولادوند برخی نکات صرفی و نحوی چندان رعایت نشده است. اینک نمونه‌هایی از این قبیل:

یک. در ترجمه «ثم جاء کم رسول...» [۲۹] چنین آورده است: «... سپس شما را فرستاده‌ای آمد...»؛ جاء از فعل‌های لازم است، «شما را» چندان روا نیست؛ زیرا فعل را به متعدی شباهت می‌دهد و اگر چنین ترجمه می‌شد. بهتر بود: «... سپس سوی شما فرستاده‌ای آمد...»، زیرا «کم» منصوب به نزع خافض است [در اصل جاء الیکم بوده است] و اگر در ترجمه، حروف جر محذوف آشکار شود بهتر است.

دو. هر جا که همزه استفهام با «فاء» یا «واو» عاطفه آمده است، این دو حرف (واو، فاء) در ترجمه نیامده است و در مواردی که «فاء» جزء به جای جملات شرطیه ذکر شده در ترجمه به آن توجهی نشده است: «و عجبت ان جاء کم...»؛ «آیا تعجب کردید که...» [۳۰]. «فتنازعوا أمرهم بینهم...» [سامران] میان خود درباره کارشان به نزاع پرداختند... [۳۱]

ولی در این ترجمه هر گاه اگر واو و فاء با «هل» استفهامیه آمده باشد، آن را در ترجمه به فارسی ذکر کرده و برگردانده است. ۳۲
سه. در آیه ۴۰ سوره مریم در ترجمه عبارت «إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَ مَنْ عَلَيْهَا...» نوشته است: «ماییم که زمین را با هر که در آن است به میراث می‌بریم».

حرف جر علی در اینجا «در» معنی شده که نادرست است.
ابن هشام می‌نویسد: این حرف بیشتر برای استعلاء به کار می‌رود؛ سپس نه معنی برای آن ذکر می‌کند که در هیچ یک از این موارد نه گانه، به معنای ظرفیت مکانی نیامده است. ۳۳

چهار. در سوره شعراء، آیه ۱۰۲ در ترجمه عبارت «يَخْلُو أَنْ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» نوشته است: «ای کاش که بازگشتی برای ما بود و ما از مؤمنان می‌شدیم».

حرف «فاء» در این جا عاطفه معنی شده که نادرست است. «واو» در این جا حرف تمنا و حرف «فاء» برای سببیت است و دلیل آن، این است که بعد از فاء سببیه، آن مقدره فعل مضارع «نکون» را منصوب کرده است؛ زیرا یکی از موارد منصوب شدن فعل مضارع این است که فاء سببیت مسبوق به طلب، قبل از آن بیاید. ۳۴

پنج. «... و ما هم بيمؤمنين» «بقره / ۸»

ولی گروندگان [راستین] نیستند.

استاد فولادوند حرف عطف «و» را به معنای «ولی» گرفته است، اما بسیاری از ادیبان و مفسران، از جمله محی الدین درویش در «اعراب القرآن» «واو حالیه» گرفته‌اند. ۳۵ همچنین ایشان ضمیر «هم» را که جمع مذکر غایب است، اصلاً معنی نکرده است.

شش. «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ...» «سوره / ۵».

«و خواستیم بر کسانی که... منت نهیم...» «نُرِيدُ» فعل مضارع است و به «می‌خواهیم» ترجمه شود بهتر است. ممکن است گفته شود مترجم از زمینه فعل ماضی در آیه قبل بهره جسته و به «خواستیم» ترجمه کرده است. اما چون این آیه اشاره به یک سنت جاری الهی دارد که تحقق نهایی آن مایه امید مستضعفان است، پس به همان شکل مضارع آن در ترجمه بیاید بهتر و زنده‌تر است.

هفت. «...» «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ...» «اگر بدانید این برای شما بهتر است».

مترجم محترم در این آیه و بسیاری موارد مشابه آن، اسم اشاره «ذَلِكُمْ» را به «این» ترجمه کرده است که با اصل آن سازگار نیست و «آن» ترجمه شود بهتر است.

اشکال دیگر در این ترجمه آن است که مترجم گرامی «کنتم تعلمون» را، در این آیه و موارد مشابه آن که باید به شکل ماضی استمراری ترجمه شود، به صورت مضارع مؤکد ترجمه کرده است و گویا چندان توجهی به این قاعده که

«فعل کان + فعل مضارع = ماضی استمراری» نکرده است و یا اصلاً در نظر نداشته است. ۳۶

سخن پایانی
یکی از دریچه‌های اعجاز قرآن کریم، ترکیب حیرت‌انگیز بیانی و تلفیق دقیق معانی و تطبیق آن با حالات گوناگون نفسانی انسان است که به راستی عالی‌ترین جلوه گفتار خداست. قرآن در عین معجزه جاوید و وحیانی بودن، اثری در اوج کمالات هنری است. کلمات قرآن چنان خوب و شایسته به هم پیوسته است که نوای آن از لحاظ هماهنگی و روانی، گویی نغمه فرشتگان است و جان را به شور می‌آورد و این وجد و طرب که مستمعان قرآن از آن می‌یابند نتیجه همین ترکیب عجیب است.
جمال معانی و جلال بیانی قرآن حالتی است دریافتنی نه گفتنی. ریختن این جمال و کمال واقعی در قالب کلمات عادی در طاقت بشر نیست. به همین سبب ترجمه‌ای بی غلط از قرآن آرزویی است بس دور دست و دیرباب و شاید دست نیافتنی.

بس نکته غیر حسن نباید که تا کسی مقبول طبع مردم صاحب نظر شود اما اگر با بیان انسانی وصف جمال این اعجوبه خلقت یزدانی نتوان کرد، ناگزیر چیزی گفتن از هیچ نگفتن بهتر است و هدف اساسی در ترجمه قرآن مجید آن است که آدمی با خواندن آن، به خواندن متن اصلی قرآن بیشتر راغب شود تا از آن نهر عظیم جان بخش الهی کفی برگیرد و تهی دست باز نگردد. با این نگاه درایت‌انگیز، ترجمه استاد گرانقدر آقای محمد مهدی فولادوند اثری ارزشمند می‌نماید و همچون هم‌تث بلند و حاصل کارش پر رونق‌تر شده است. در پایان ذکر این نکته بایسته می‌نماید که حفظ حرمت مترجمان قرآن، که سال‌های بسیاری از عمر خویش را صرف قرآن پژوهی کرده و در این راه مغز و جان فرسوده‌اند از جمله آقای فولادوند «زید عزه» از اهم واجبات است و نمی‌توان در نقد اثر مترجم قرآن، روشی مانند نقد رمان و شعر برگزید و احیاناً به ناسزاگویی و جدل متمسک شد. هدف ما در این نوشتار تحلیلی، آن بوده است که با دقت و درایت عمیق خویش راه را برای خود و دیگران جهت فهم بهتر پیام وحی الهی در آیات شریفه قرآنی به مدد خداوندی بگشاییم و قدمی در این انگیزه نیک برداریم.

- ۱ - به عنوان نمونه ر.ک: «فصلنامه بینات، شماره ۵، بهار ۱۳۷۴، ش: ۵؛ همان، ش ۱۱، پاییز ۱۳۷۵؛ فصلنامه حوزه و دانشگاه، ش ۳، تابستان ۱۳۷۴، ش: ۵».
- ۲ - فصلنامه مترجم، شماره ۱۰/۸۹.
- ۳ - همان، ۱۰۰-۱۰۱.
- ۴ - یعنی غیر از ترجمه، صاحب اثر نیز باشد نه اینکه چون نمی‌تواند نویسندگی کند به ترجمه روی آورده باشد.
- ۵ - إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ . فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ . لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ « واقع / ۷۷-۷۹».
- ۶ - یعنی نه فارسی‌گرایی مفرط دارد و نه عرب‌گرایی بسیار نامفهوم.
- ۷ - فصلنامه مترجم، شماره ۱۳۱-۱۳۲/۱۰.
- ۸ - ر.ک: ترجمه قرآن؛ محمد مهدی فولادوند، انتهای ترجمه، ص ۲-۳.
- ۹ - به عنوان نمونه: «سوگند به اختر [= قرآن] چون فرود می‌آید». نکته: مطالب داخل گروه برای رساندن معنی واژه‌ها و جملات قرآنی است.
- ۱۰ - به عنوان نمونه ذیل آیه ﴿لَهُ الْجَوَارِ الْمُنشآتُ﴾ (ص ۵۳۲) آورده است: «در آیه ۲۴ اگر منشآت را به «کسر شین» بخوانیم معنی چنین است: «و جریان‌های کوه آسایی که در دریا پدید می‌آید از آن اوست.» مثلاً «راعنا...» قرار گرفته: از ریشه رَع = شر. عبری برابر با واژه «بد» و در انگلیسی به معنی ourbadone است.
- ۱۱ - فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۱/۱۶۳.
- ۱۲ - ر.ک: ترجمه قرآن استاد فولادوند؛ از باب نمونه ترجمه «عزیز» به توانا: ص ۴۴) ذیل آیه ۲۶۰ سوره بقره (و به نیرومند: صفحه ۵۱۳) ذیل آیه ۱۹ سوره فتح (و همچنین ترجمه آن کلمه به «ارجمند»: صفحه ۵۵۳) سوره حشر (۱۳ - همان، ۵۲.
- ۱۴ - همان، ۱۷۰.
- ۱۵ - همان، ۵۵۳.
- ۱۶ - همان، ۵۹.

- ۱۷ - همان، ۳۳۳.
- ۱۸ - فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۱/۱۶۴؛ این لفظ در قرآن ۱۴ مرتبه به کار رفته است. ن. ک: المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، ۵۳۸.
- ۱۹ - ترجمه قرآن، استاد فولادوند، ۱۲۴.
- ۲۰ - همان، ۲۴۶.
- ۲۱ - مانند واژه «علقه» که مترجم در برگردان از واژه «آویزک» یاد کرده است. ترجمه قرآن؛ استاد فولادوند، ۵۹۷.
- ۲۲ - همان، ۲۸.
- ۲۳ - همان، ۵۲۷.
- ۲۴ - همان، ۴۴۵.
- ۲۵ - همان، ۱۹۴.
- ۲۶ - قرآن کریم، ترجمه و توضیحات و واژه نامه از بهاء الدین خرّمشاهی، ۳۶۰؛ انتشارات جامی، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه. ش.
- ۲۷ - ابوعبیده معمر بن مثنی، مجاز القرآن، ۲/۷۰.
- ۲۸ - فصلنامه بینات، ش ۲۷، ص ۱۶۹.
- ۲۹ - قرشی، سید علی اکبر؛ قاموس قرآن، ۶/۲۵۹.
- ۳۰ - ترجمه قرآن، استاد فولادوند، ۶۰.
- ۳۱ - همان، ۱۵۸.
- ۳۲ - همان، ۳۱۵.
- ۳۳ - همان، ۳۱۲.
- ۳۴ - انصاری، ابن هشام مغنی اللیب عن کتب الأعراب، ۱۹۰-۱۹۳/۱.
- ۳۵ - زجاج رشید الشرتونی؛ مبادی العربیه ۴/۱۷۲.
- ۳۶ - اعراب القرآن، ۱/۳۲.
- ۳۷ - ترجمه قرآن، استاد فولادوند، صفحه ۵۵۴؛ در این ترجمه از نمونه‌های دیگر این مسأله می‌توان موارد ذیل را اشاره کرد. ۹، آیه ۵۹ سوره بقره / ۵۵۴، آیه ۲ سوره منافقون / ۵۵۱؛ آیه ۱۱ سوره صف.